

حاشیه فرش عهد هخامنشی کار ایران که در پازیریک بدست آمده است

فرشهای تاریخی ایران

نگارش: سیدمحمدتقی مصطفوی و دکتر حبیب الله صمدی

که قدیمترین قالی مکشوف در جهان قالیهای است که بسال ۱۹۲۴ - ۱۹۲۰ هیئت علمی موزه ارمیتاژ لنین گراد در نوین-اولا (Noin Ula) مغولستان یافته‌اند. اما باید دانست که این اظهار دانشمند آمریکائی پیش از کشفیات جالبی بوده که در محل پازیریک (Pazirik) صورت گرفته است.

دره پازیریک در مسافت قریب دویست کیلومتری جنوب شرقی بی‌تیسک (از شهرهای جنوبی قسمت مرکزی سیریه) وبفاصله تقریبی ۷۹ کیلومتری مرز مغولستان خارجی (که سابقاً جزء خاک چین بود) نزدیک محل التقای رودخانه‌های اولاگان وبالیکتیول واقع شده ارتفاع آن از سطح دریا در حدود ۱۵۰۰ متر است.

دانشمند شوروی بنام س. ا. رودنکو ضمن دومین مرحله کاوشهای خود که در دره پازیریک انجام میداد در سالهای ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ شمسی درون آرامگاه یخ زده یکی از شاهان سکاها آثار جالب توجهی از صنایع ایران دوره هخامنشی کشف نمود که مهمترین آنها یک قطعه فرش تقریباً کامل وقطعاتی از فرشها و پارچه‌های دیگر ایران عهد هخامنشی است.

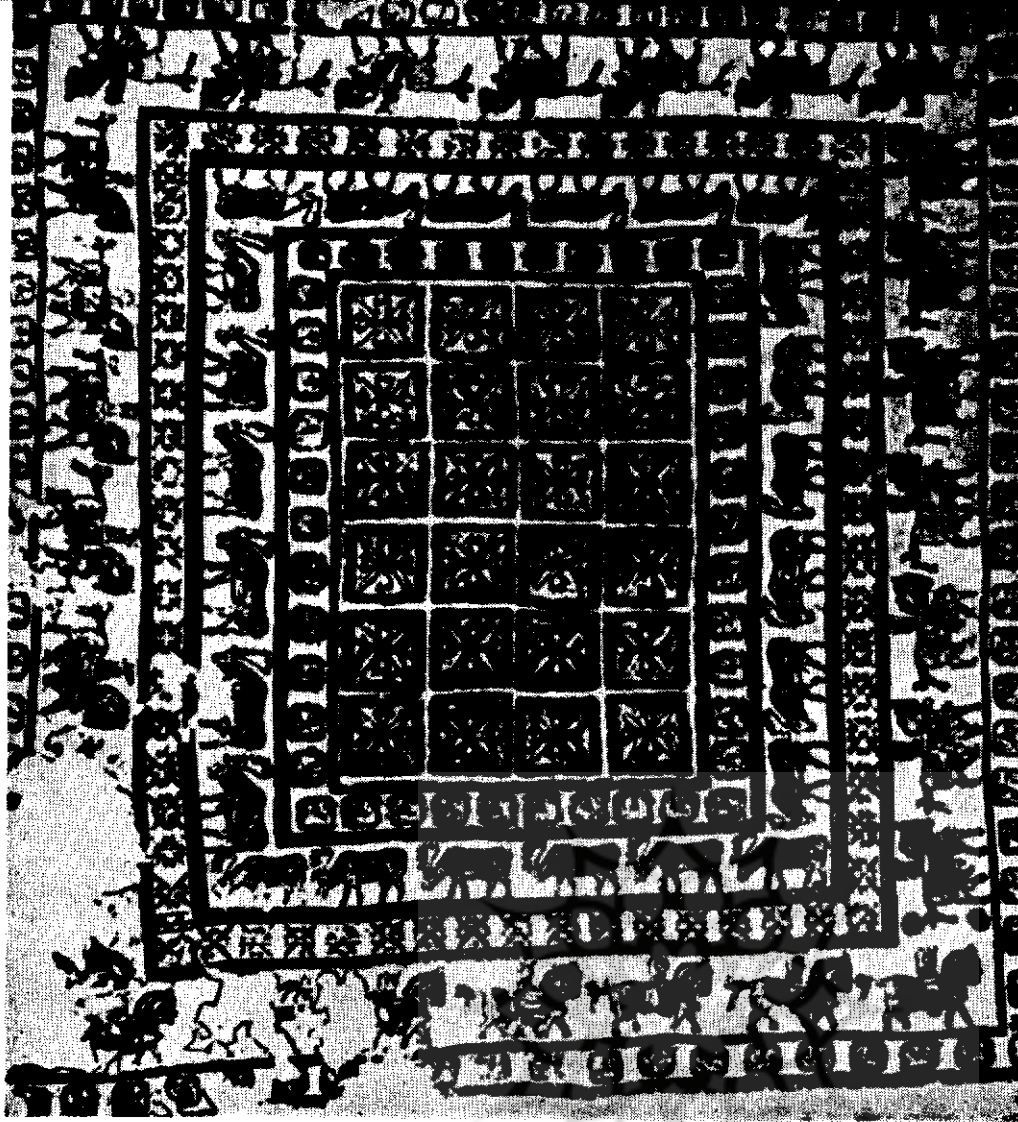
طی مقاله‌ای که در مجله اخبار لندن مورخ ۱۱ ژوئیه ۱۵۹۳ (۲۰ تیرماه ۱۳۳۲) درباره آثار مکشوفه در پازیریک درج گردیده بود فرش مکشوفه فوق را تحت عنوان قدیمترین فرش ایران در دنیا که مدت ۲۴۰۰ سال در یخهای دائمی سیریه

قالیها وقالیچه‌های رنگارنگی که زینت بخش اغلب خانه‌ها است عموماً با پنجه‌های ظریف وهنرمند زنان ومردان جوان این کشور گره گره بافته شده وبسیاری از جهانیان در پرتو وجود این صنعت باستانی ظریف، ایران را میشناسند.

آقای ژان پوزی J. Pozzi رئیس اطاق تجارت ایران وفرانسه راجع به مقام این هنرمندان اینطور اظهار عقیده مینماید: «در نظر من هیچیک از کارگران وصنعتگران جهان مرتبه ومقام زنان وكودکان خردسالی را که در مقابل کارگاه چوبی خود چندین ساعت نشسته وبا انگشتان ظریف خویش بامهارتی خاص گره برپشمهای رنگین - درون نسوج پنبه‌ای میزنند، ندارند.»

از آنجائیکه بافتن قالی مستلزم وجود کارگران صبور ویردبار میباشد از دیر زمانی قالی بافی هم نوعی صنعت تجملی محسوب شده است وبهمین مناسبت در ادوار قدیمی - این صنعت همه جا توسط مورخین ونویسندگان یونانی معرف تجمل مشرق زمین قلمداد گردیده واستعمال کلمه Tapétes یونانی بمعنای تجمل ودر فرانسه Tapis مخصوص قالی شده است.

واژه قالی بنا باعتقاد آقای پروفیسور پوپ مقتبس از نام شهر قالی قلعه ارمنستان میباشد که از روزگار گذشته قالی بافی آن مشهور بوده لیکن بعدها این صنعت درسراسر ایران عمومیت پیدا نموده است. پروفیسور پوپ دانشمند فوق الذکر بر آنست



فرش کار ایران در عهد
هخامنشی که در کاوشهای
پازیریک کشف شده است
۲۰۰×۱۸۳ سانتیمتر

بر تصاویر حیوانات افسانه‌ی بالدار و در وسط فرش نوعی نقوش چهاربرگی که از گل و بوته‌های آشوری اقتباس شده است . آقای رودنکو دانشمند شوروی که کاوشهای پازیریک را انجام داده و میتوان گفت قطعه فرش فوق شگفت‌انگیزترین چیزی است که در کاوشهای متمدنی و دشوار این دانشمند در پازیریک بدست آمده است ، کتاب مفصلی بزبان روسی تحت عنوان تمدن مردم ناحیه کوهستانی آلتائی در عهد سکاها (چاپ مسکو - لنین‌گراد ۱۹۵۳) منتشر نموده است و طی آن درباره فرش مزبور توضیحات مفصلی میدهد که برخی نکات آن بشرح زیر در اینجا نقل میگردد :

« نقوش حیوانات بالدار در حاشیه کنار فرش کمی بزرگتر از نقوش همان حیوانات در اطراف قسمت وسط فرش بوده ، جهت آنها هم مخالف جهت نقوش اخیرالذکر میباشد و هر پنج حاشیه و نقوش وسط فرش دارای حاشیه باریک ، مشتمل بر نقوش مثلشهای ریز است (باصطلاح معمول و مصطلح فارسی دالبر) این قالی چند رنگ داشت که بیشتر آن قرمز ، آبی ، سبز ، زرد کم‌رنگ ، نارنجی میباشد (آنچه از روی گراور

مرکزی محفوظ مانده است ، معرفی نمود و درباره آن چنین توضیح داده‌اند :

مهمترین اشیاء مکشوف در پازیریک قطعه فرشی است با نقش‌های مختلف که کرک آن را از پشت گره زده و از سمت رو چیده و صاف نموده بودند . این فرش ضمن زین و برگهائی که همراه جسد اسبها در دل خاک مجاور آرامگاه نهاده بودند بدست آمده برای زین یکی از اسبها بکار میرفته است . ابعاد فرش مزبور ۱۸۳ متر در دو متر - در ۲ میلیمتر میباشد و بقراریکه کاشف فرش تشخیص داده است در هر دسیمتر مربع آن ۳۶۰۰ گره زده‌اند . کار آن ظریف و زیباست - نقشه روی فرش عبارتست از حاشیه‌ای مشتمل بر تصویر حیوانات افسانه بالدار - پس از آن ردیف سواران ایرانی که به ترتیب یکنفر بر اسب سوار و پشت سر او یکنفر دهانه اسب را گرفته است و میبرد - سواران مزبور کلاه مخصوص ایرانیان را بر سر نهاده‌اند . انتهای زیرین کلاه از زیر چانه کج شده پیاپی دهان منتهی میگردد نوک طرف دیگر آنهم باریک است پس از آن ردیف گوزنهای خط و خالدار و بعد از آن حاشیه مجددی مشتمل



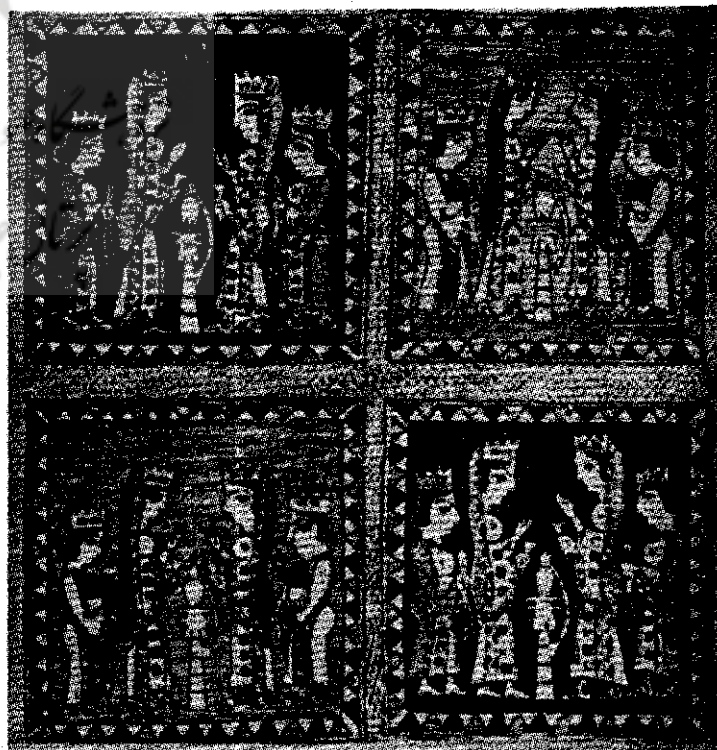
يك قسمت از مكشوف در
پازيريك مشتمل بر تصوير
بانوان عهد هخامنشى ،
كار ايران

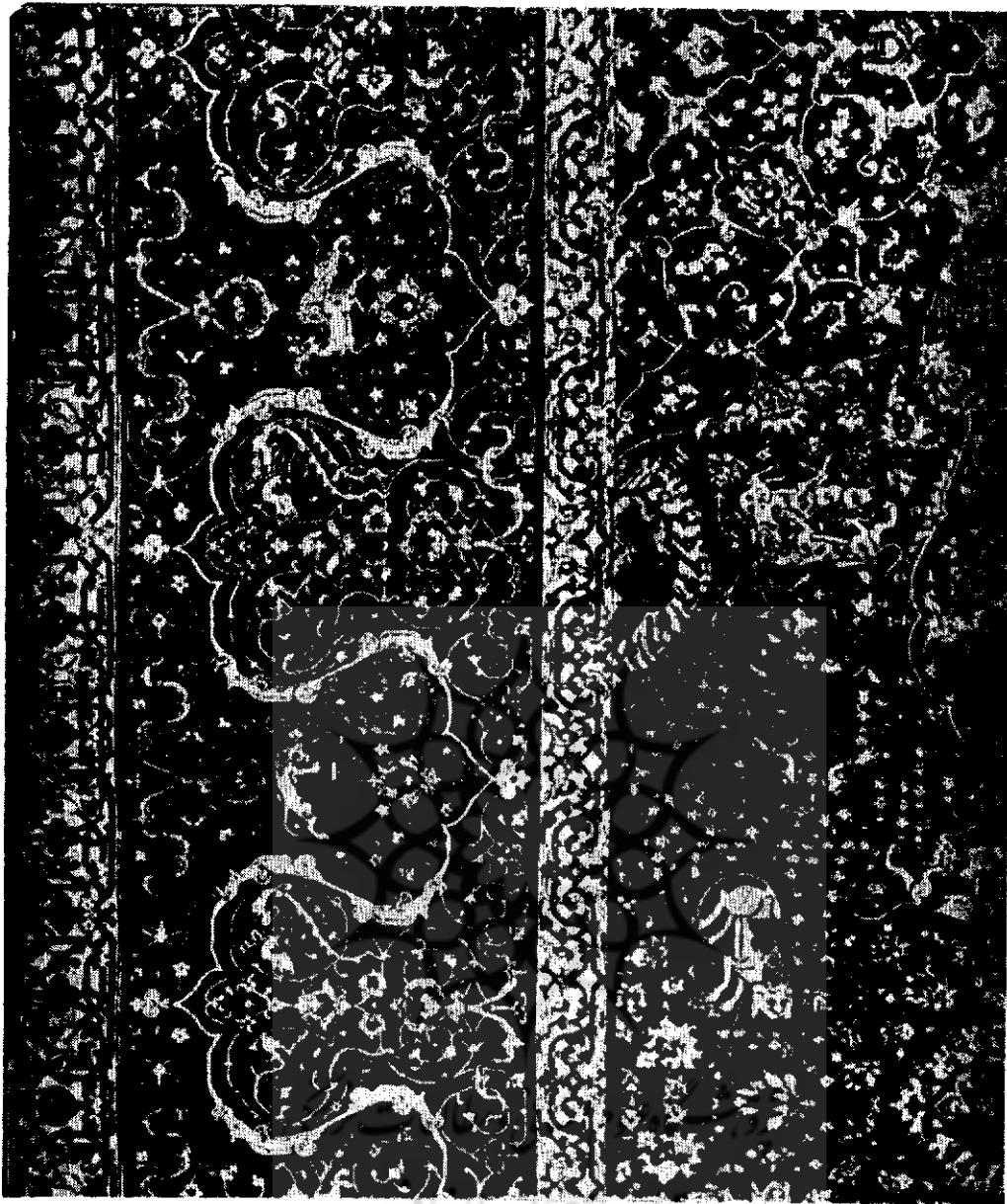
قطعه فرش مكشوف در
پازيريك كه قسمتى از آن
در تصوير سمت چپ اين
صفحه مشاهده ميشود

رنگى فرش مزبور در كتاب آقاى رودنكو تشخيص داده ميشود
زمينه قرمز و نقوش زرد رنگ ميباشد تاريخ اين
قالى از روى شكل اسب سواران معلوم ميشود . طرز نشان دادن
اسبهاى جنگى كه بجاي زين ، قالى بر پشت آنها گسترده اند
و پارچه روى سینه اسب از مشخصات آشوريا ميباشد . لکن
در روى فرش پازيريك ريزه كارى هاى مختلف و طرز گره زدن
دم اسب و چگونگى گره مزبور آشورى نيست بلکه مربوط
و متعلق بدوران پارسيان است . گره هاى دم اسبهاى روى فرش
را در نقوش برجسته تخت جمشيد نيز مى بينيم .

درجای ديگر كتاب فوق دانشمند مزبور صراحتاً فرش
مزبور را كار ايران ميداند در تشخيص اينكه در کدام
قسمت ايران عهد هخامنشى بافته شده است اظهار ترديد مینماید.
نگارنده با آشنائى و بررسى هاى كه ساليان متمادى از نزيك
يا دور درباره آناز هخامنشى مخصوصاً در تخت جمشيد نموده ،
بخود جرئت ميدهد كه درباره فرش محل مزبور و محل بافت
آن نکات ذيل را مذکور دارد :

بادقت در آثار تخت جمشيد بخوبى ميتوان استنباط نمود





قالی شکار - موزه پولدی پوزولی در میلان ایتالیا ۶۹۴×۳۶۰ سانتیمتر کار غیاث‌الدین جامی مورخ ۹۴۹

سروصورت را صفا میداده نقش گماشتگان شاهی با شمعدان و عطردان و حوله و ظرف آب دیده میشود. آنجا که شاهنشاه وارد تالار کاخ میشود تصویر خدمتگزاران پشت سر او بادر دست داشتن نحوله و اسبابی که برای راندن حشرات بالای سر شهریار حرکت میداده‌اند حجاری گردیده است و در آستانه بزرگ تالار که شاهنشاه از آنجا به بیرون کاخ میخرامد علاوه بر حوله و اسباب مزبور چتر آفتابی مخصوص بالای سر شاه حجاری کرده‌اند. همچنین تصویر درباریان و جدال شاهنشاه با مظاهر اهریمن که در آستانه‌های اطاقهای مجاور تالارهای بزرگ نموده

که همه جا استادان حجار مقید بوده سعی نموده‌اند موضوع نقش برجسته و چگونگی آنرا با اوضاع و احوال محلی که نقش در آنجا جلوه‌گری مینموده و زینت بخش بوده است ارتباط بدهند - چنانکه در کاخهای آپادانا و صدستون که محل برگزاری جشنهای رسمی و انجام مراسم سلام بوده صف لشگریان و نمایندگان اقوام ساکن قسمتهای مختلف کشور بصورت‌های گوناگون نموده شده است و در آستانه‌های مختلف کاخهای کوچک داریوش و خشایارشا در هر اتاق نقش مربوط بچگونگی استفاده از آن محل حجاری گردیده است. مثلاً در اطاقهای کوچک که شاهنشاه

شده است و قس علیهذا .

درحاشیه بزرگتر فرش مکشوف درپازیریک دیده میشود که نقش مردان یکی سوار براسب و پشت سر او یکی پیاده پهلوی اسب که افسار آنرا از پشت گرفته ، تکرار شده است و دربرخی موارد هم دونفر سوار پشت سرهم یا دو پیاده به ترتیب فوق پشت سرهم قرار دارند .

بعقیده اینجانب نقش حاشیه مزبور نشانه و اشاره به سوار و پیاده شدن ازاسب و حرکات معروف به سوار خوبی است که هنوز هم در جشنها و نمایشهای اسبدوانی در ایران مرسوم میباشد و در دوران امپراطوری روسیه در ارتش امپراطوری کشور مزبور بسیار معمول بود و در عهد قاجاریه این رسم مجدداً به پیروی از مراسم دیگر لشگری روسیه در ایران متداول گردیده است و بنابراین میتوان تشخیص داد که رسم سوار خوبی و شیرینکاریهای اسب سواران ازدوران باستان و لااقل از عهد هخامنشی در کشور شاهنشاهی ایران معمول بوده و عمل میشده است - آقای رودنکو که حقیقاً با دقت و بررسی هر چه تمامتر در کتاب جامع خود اظهار نظر کرده اند فرش مکشوف درپازیریک را بافت یکی از سه قسمت کشور هخامنشی یعنی ماد - پارت یا خراسان قدیم - پارس میدانند . هر چند اسبهای پارس مشهور بوده و داریوش کبیر در کتیبههای خود مکرر از اسبهای پارس نام میبرد اما چون نقش گوزن ارتباط با پارس ندارد و از طرفی لباس مردانی که سوار بر اسبها هستند یا افسار آنها را در دست دارند لباس مردم ماد و اهالی شمال ایرانست احتمال اینکه فرش مزبور بافت پارس باشد تقریباً از میان میرود و چون سواران پارتی مشهورتر از سواران مادی بوده اند و لباس مادها با سایر قسمتهای ایران شمالی در بسیاری موارد شباهت دارد بخصوص کلاه که در روی فرش بر سر ردیف مردان دیده میشود منحصر ب مردم ماد نیست و اقوام دیگر شمال ایران از جمله پارتها هم از این کلاه داشته اند (نقوش برجسته تخت جمشید مطلب را معلوم و اثبات مینماید) و از طرفی گوزن در دشتهای شمالی سرزمین پارت بوده است و بالاخره چون پارت نزدیکترین قسمت ایران عهد هخامنشی به پازیریک میباشد از هر باب میتوان احتمال داد و اظهار نظر نمود که فرش مکشوف درپازیریک در سرزمین پارت یعنی خراسان قدیم تهیه شده ، ضمن مبادلات تجارتنی و دادوستدهای معمولی بین مردم شمال ایران پیادشاه سکاها تعلق یافته و درپازیریک همراه جسد اسب پادشاه دفن شده است .

آنچه مناسب بنظر میآید در باره مهمترین کشف آرامگاههای پازیریک یعنی قطعه فرش فوق توضیح داده شد و جا دارد کارشناسان فنی ، بخصوص استادان نقشه کش و بافنده فرش بهر نحو عملی و میسر باشد این یگانه نمونه فرش هخامنشی یعنی محصول و یادگار استادان فرش عهد هخامنشی را مورد بررسی

بیشتر قرار دهند و نکات هنری این صنعت ظریف باستانی را دریادگار ذیقیمت مزبور مشاهده و درک نمایند .

علاوه بر فرش فوق قطعه کوچک فرش دیگری درپازیریک پیدا شده که نقش آن مشتمل بر مربعهای کوچکی است و بر روی هر مربع تصاویر بانوان عهد هخامنشی را در طرفین آتشدان نشان میدهد . بافت این فرش دورو بوده است بدین طریق که تار آنرا از پشم ظریف تابیده درست میکردند و بود آنرا از پشم ظریف برنگهای مختلف گره میزدند و بدین طریق طرحها و نقوش فرش را از دو طرف نمایان میساختند . در هر سانتیمتر مربع این فرش از یک طرف ۲۲ گره و از طرف دیگر ۲۴ گره زده اند . نقوش مربعهای مزبور هیچکدام بطور کامل و از هر جهت بدیگری شباهت ندارد در صورتیکه در صنعت بافندگی چنین امری عادتاً پیش میآید .

از توضیحات آقای رودنکو درباره قطعه فرش مزبور بر میآید که بافت آن تقریباً به گلیمهای بسیار ظریفی که مخصوصاً عشایر فارس مییافتند شباهت داشته است . قطعه فرش دیگری هم درپازیریک پیدا شده که از لحاظ طرز بافت عیناً مانند قطعه فوق بوده تنها نقش آن بعوض خانههای مربع و تصاویر بانوان هخامنشی ، مشتمل بر ردیف نقش شیرها نظیر ردیف نقوش شیرها در حجاریهای تخت جمشید است .

بنابراین با کشف نمونههای فرشهای ایران هخامنشی در پازیریک عنوان قدیمترین و مهمترین فرشهای ایران که تا کنون شناخته شده است شامل قطعه فرش سابق الذکر میگردد و پس از آن از فرشهای ساسانی میتوان بحث نمود که مهمتر و معروفتر از همه قالی معروف بهارستان است و بنابر گفته مورخین ، قالی بهارستان در هنگام فتح ایران بدست مسلمین قطعه قطعه شده و بین فاتحین تقسیم گشته است .

طبری نخستین مورخی است که از این فرش توصیف نموده است بنابر گفته وی موادی که در این فرش بکاررفته عبارت بوده از ابریشم و جواهرات و طلا و نقره ، رنگ سبز درختان از زمره ورنک متن از نسوج زرین انتخاب شده بود . بجای آب ، نگینهای نفیس شفاف و عوض سنگ ریزه ها مروارید و عوض شاخه های درختان زروسیم بکار برده بودند .

هشام بن عبدالملک (۱۲۰ هجری) قالی ابریشمین وزرینی بطول ۹۰ و عرض ۳۲ متر داشته که با قالی بهارستان رقابت میکرد است . از آنجا که بافندگان فرش مرغوب ایرانیان بودند میتوان یقین داشت که قالی مزبور در ایران بافته شده بوده است .

مسعودی مینویسد «المستنصر» خلیفه عباسی قالی مصوری بصور انسانی با کتیبههای پارسی داشته است . یکی از این صور مربوط به تاج گذاری سلطانی بوده که کتیبه مربوط وی را شیرویه پسر خسرو پرویز معرفی مینموده است در این قالی

صور شاهان و خاندانهای بزرگم برده من جمله یزید بن ولید بن عبدالملک .

بنابر آنچه گفته شد بافت این قالی در ایران بوده و بطور کلی در دوره خلفای اموی و عباسی مانند سایر رشته‌های صنعتی ، قالی بافی دنباله روتق دوره ساسانی را طی میکرده است .

در اعصار سلجوقی و ایلخانی این صنعت کماکان رواج کامل داشته است چنانکه غازان خان ، مسجدی ساخته است که باقالیهای اعلی مفروش میشده است . همچنین وی برای شب معروف خود تعدادی قالی سفارش داد که در فارس بیافند . این- بطوطه در این عصر از قالیهای سبز قام حدود ایزده و مال امیر سخن میراند .

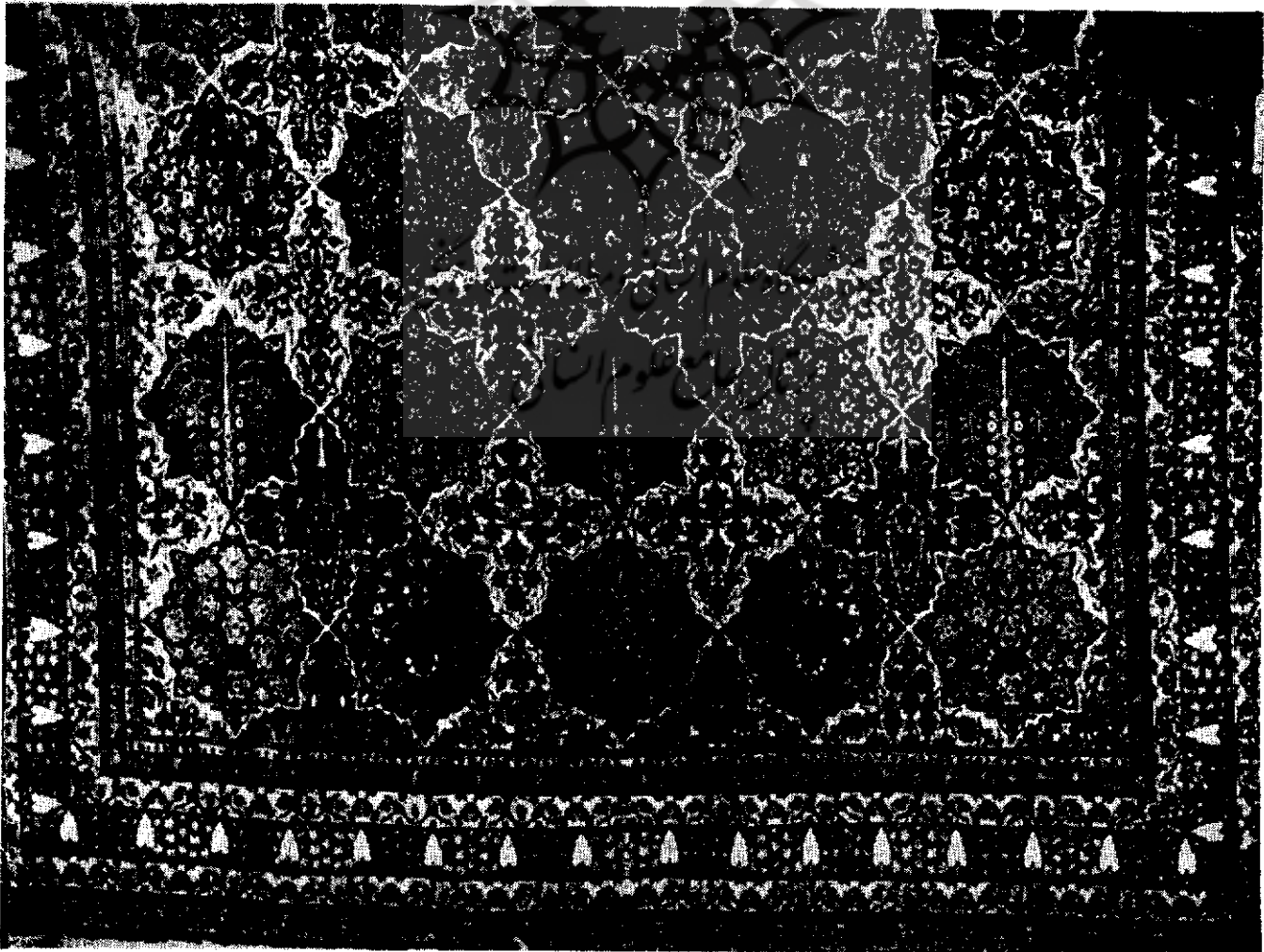
از جمله شواهد و دلائل پیشرفت این صنعت در دوره تیموریان وجود صحنه‌های قالی است که در مینیاتورهای این زمان دیده میشود . چنانکه در ضمن تصاویر نسخه خطی خمسه جامی کار قاسم علی که متعلق به مجموعه قصر گلستان است این حقیقت را میتوان یافت . همچنین مینیاتورهای دیگری از این زمان در دست است که طرز بافت قالی را نشان میدهد . نقوش و طرحهای قالی در زمان تیموریان و بعداً در دوران صفویه

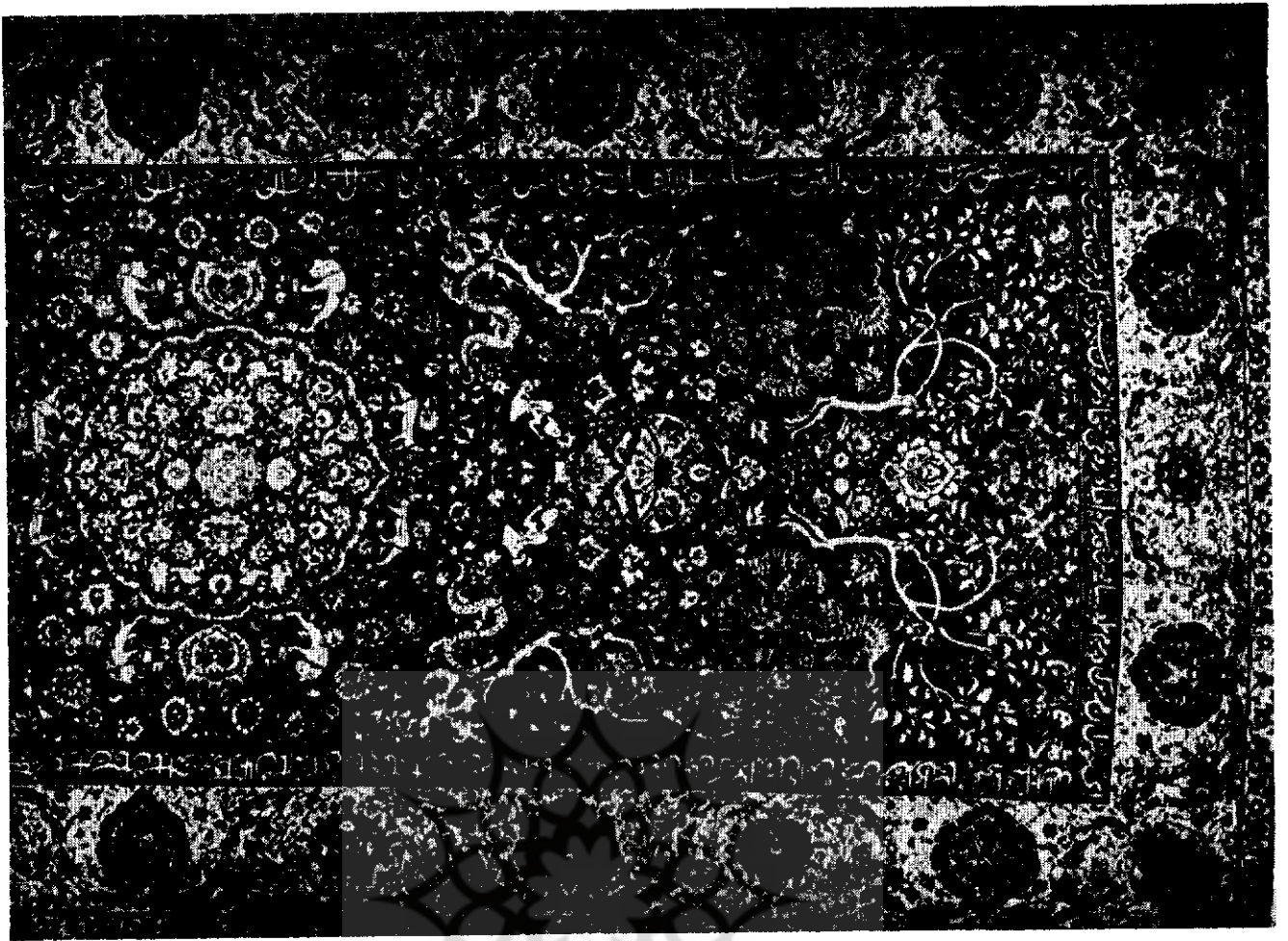
عموماً توسط هنرمندان بنام این عصر از قبیل کمال الدین بهزاد ، سلطان محمد ، میر سید علی و محمدی انجام گرفته است و میتوان گفت که تا هم امروز طرحها و نقوش قالیهای ممتاز و معروف ایران از تأثیر و نفوذ کار این استادان جلیل برکنار نیست .

قالیهای مشهور ایران که جزء مفاخر هنری ما محسوب میشود و در خارج از ایران وجود دارد بالغ بر صدها پارچه میباشد . مانند مجموعه قالیهای نفیس موزه وین ، مجموعه قالیهای معروف موزه‌های برلین ، قالی مشهور موزه لوور که سابق برای کلیسای نتردام را زینت میداده است ، قالی شکار موزه پولندی پوزولی میلان بافت غیاث الدین جامی با اندازه ۶۹۲×۳۶۰ سانتیمتر مورخ سال ۹۲۹ .

قالی مشجر متعلق به مجموعه ویلیام که هم‌اکنون در موزه پنسیلوانیای امریکا حفظ میشود و به نقوش باغ و صور حیوانی مزین است . قالی مشهور گراکو در پاریس و بالاخره مجموعه قالیهای موزه ویکتوریا و آلبرت و قالسی چهارفصل ژانسن اندریا که مزین به گل و گیاه فصل مربوط ، درون ترنج‌ها و صورت‌های تزئینی است . همچنین باید قالی تاریخ‌دار بافت مقصود کاشانی متعلق به برادران دووین را نام برد .

قالی چهارفصل . متعلق به مجموعه ژانسن آندریا





فرش کار تبریز باندازه ۵۰۵×۴۴۰ سانتیمتر . متعلق به مجموعه پولدی پوزولی

محترم آستان قدس رضوی نسبت بمرمت وصیانت آنها توجه مخصوص معمول شود .

این قالیها که در لاهور توسط استادان ایرانی بافته شده کرک آن بسیار ظریف و تار و پود آن از ابریشم است و از حیث رنگ آمیزی و ظرافت در جهان بی مانند میباشد و بطوریکه حساب شده است در هر دسیمتر مربع از این قالیها بیش از بازده هزار گره زده اند .

شاه عباس کبیر بواسطه عشق و علاقه خاصی که به صنعت قالی داشت میتوان گفت موجد مکتب بخصوصی در قالی بافی شده است .

برای نخستین بار در تاریخ قالی بافی در زمان این شهریار، گلابتون زرین و سیمین و ابریشم در بافتن قالی مرسوم گردیده . در موزه ایران باستان هم هشت قطعه فرشهای نفیس عهد صفویه هست که ذکر آنها در این مقاله موجب اطنا ب مطلب میشود و علاقمندان میتوانند به راهنمای اجمالی موزه ایران باستان مراجعه فرمایند .

در عصر صفویه بطوریکه قبلاً نیز گذشت صنعت قالی بافی مورد توجه شاهان این سلسله قرار گرفت چنانکه هنگامیکه نصیرالدین محمد همایون پادشاه هند بواسطه اختلافات داخلی بدربار شاه طهماسب صفوی پناهنده شد (۹۵۱) شاه ایران مقدمش را گرامی داشت و پسر خود مراد میرزا را مأمور پذیرائی او نمود . در این مسافرت قالی بافی ایران بقدری مورد علاقه همایون قرار گرفت که در مراجعت به هندوستان ثنی چند از استادان قالی و مینیاتور ایران را برای رواج هنر و صنعت ایرانی به هندوستان برد . این صنعتگران که از شهرهای اردبیل و جوشقان و کاشان و خراسان به هندوستان رفتند مکتبی در قالی بافی بوجود آوردند که بنام قالی بافی ایران و هند خوانده میشود . از جمله آثار این زمان تعداد یازده قطعه قالی نفیس است که هم اکنون جزء مجموعه آستان قدس رضوی در خزانه مبارک حضرت رضا (ع) نگاهداری میشود و متأسفانه چون در حفظ و حراست آنها در گذشته آنطوری که باید توجهی نشده است جملگی وضع خوبی ندارد و امید میرود با مراقبت و علاقمندی و ایمان اولیای